

هنر

مبانی تربیت در نهج البلاغه

مصطفی دلشادتهرانی



منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)

مصطفی دلشاد تهرانی

پیشگفتار

جایگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه ، بی تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است . این کتاب مجموعه ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل ، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است .

نهج البلاغه ، شفای دردهای روحی بشر و راز هدایت اجتماعی و سیاسی است . این کتاب ، منشور انسان سازی ، و دریچه ای به نور، و راهی از ملک تا ملکوت است .

نهج البلاغه ، مکتوب مبارزه با بیدادگری و زراندوزی و بت پروری است ؛ و راه برپایی حدود الهی و افق ارزشهای آرمانی است .

نهج البلاغه ، صحیفه ساختن فرد و جامعه ، و آموزگار کفر ستیزی و فقر ستیزی است ؛ و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است .

نهج البلاغه ، پرکننده خلاءهای عمیق فکری ، اجتماعی و سیاسی ، و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمانها و در تمام مکانهاست .

نهج البلاغه ، دریای معرفت بی انتها و نور هدایت بدون خاموشی است ؛ و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی است . امام خمینی (ره) در توصیف جایگاه این کتاب شریف فرموده است :

"کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست ، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی ، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه ها به وجود آید و ملتها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند." (1)

مؤلف نهج البلاغه

مؤلف نهج البلاغه ابوالحسن محمد بن حسين موسوی معروف به "سید رضی" و "شریف رضی" است. وی در سال 359 هجری، دیده به جهان گشود و در سال 406 هجری، دیده از جهان فرو بست. سید رضی هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبی بس شریف داشت. از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین علیه السلام می رسید. ⁽²⁾ از این رو بهاءالدوله دیلمی او را به "ذی الحسین" و "شریف رضی" ملقب نمود. ⁽³⁾

سید رضی از اوان کودکی همراه برادرش سید مرتضی به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت و هوش سرشار و استعداد کم نظیر خود را در عرصه های مختلف ظاهر ساخت. بیش از ده سال از سن شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و چنان قریحه ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. هنوز بیستمین بهار زندگی را پشت سر گذاشته بود که در تمام معارف و علوم اسلامی سرآمد همگان گشت، و در سرودن شعر به مقامی دست یافت که هیچ کس بدان مرتبه راه نیافت.

سید رضی در عزت نفس و بلندنظری، سخاوت و بخشندگی، پابندی به امور شرعی، پرهیز از تملق و چاپلوسی، پارسایی و پروا پیشگی در روزگار خود مانند نداشت. روح آزادگی در شریف رضی چنان جلوه داشت که با ابو اسحاق صابی ⁽⁴⁾ غیر مسلمان رابطه ای صمیمی داشت و میان آن دو مراودات و مراسلات علمی و ادبی برقرار بود؛ و چون او درگذشت، سید رضی در قصیده ای عالی و بسیار حزن انگیز او را مرثیه گفت. ⁽⁵⁾ برخی از این مرثیه سرایی

برآشفتند و سید رضی را سرزنش کردند که شخصی چون او، از دودمان پیامبر، کسی چون ابواسحاق صابی کافر را مرثیه می گوید و از فقدان او چنین می نالد! و سید رضی پاسخ داد که من فضل و کمال او را ستوده ام، نه جسم و بدن او را. (6)

ثعالبی ادیب معاصر با سید رضی، در گذشته به سال 429 هجری، درباره او چنین می نویسد:

"او اینک نابغه دوران، و نجیب ترین بزرگان عراق، و در عین شرافت نسب و افتخار حسب، مزین به ادبی نمایان و فضلی تابان و بهره ای وافر از تمام خوبیها و نیکوییهاست. از این گذشته او سرآمد شاعرانی است که از دودمان ابوطالب برخاسته اند، چه گذشتگان و چه معاصران. و اگر بگویم او سرآمد شاعران قریش است، گزافه نگفته ام که گواه صادق آن اشعار اوست که این ادعا را می توان با مراجعه بدانها دریافت؛ اشعاری عالی و استوار، خالی از سستی و عوار، که در عین روانی و سلاست، محکم است و با متانت، دارای معانی نغز و بلند، و چونان میوه رسیده و باطراوت. (7)"

سید رضی با وجود گرفتاریهای بسیار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علمی رغم مشاغل مهم و حساس و وقت گیری همچون تقابث طالبیان و امارت حج و نظارت دیوان مظالم، (8) در عمر چهل و هفت ساله خویش آثاری بس مهم بر جای گذاشته است که هر یک در نوع خود ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است که البته برخی از آنها به جای مانده و بسیاری از آنها از میان رفته است و جز نام و نشانی از آنها باقی نمانده است. در بین آثار شریف رضی نهج البلاغه مهمترین و برجسته ترین آنهاست که هیچ کتابی پس از قرآن کریم به والایی و شیوایی،

و گرانمایگی و جاودانگی آن نمی رسد و سید رضی آن را در سال 400 هجری
، شش سال پیش از وفاتش تاءلیف کرده است .

چرایی و چگونگی تالیف نهج البلاغه

نهج البلاغه عنوانی است که سید رضی برای منتخبی از خطبه ها و مواعظ، نامه ها و عهدنامه ها، کلمات کوتاه و قصار امیر مؤمنان علی علیه السلام برگزیده است ،⁽⁹⁾ و این کتاب در فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می درخشد، و صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت‌های عالی است .⁽¹⁰⁾ برای آشنا شدن با چرایی و چگونگی تالیف این اثر جاودان لازم است به انگیزه تالیف ، تبویب ، کمیت ، وجه تسمیه و وجه شاخص تالیف اشاره شود که در ذیل بدان می پردازیم .

انگیزه تالیف نهج البلاغه اینکه چه عاملی سبب شد شریف رضی به تالیف نهج البلاغه برانگیخته شود و چنین اثری به وجود آید از امور مهم در شناخت این کتاب بی نظیر است . شریف رضی خود در مقدمه ای که بر نهج البلاغه آورده ، انگیزه جمع آوری و تالیف خویش را چنین بیان کرده است :

"در آغاز جوانی و طراوت زندگانی به تالیف کتابی در خصایص و ویژگیهای ائمه علیهم السلام دست زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود. انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یادآور شده ام و آن را آغاز سخن قرار داده ام .⁽¹¹⁾

پس از گردآوری خصایص امیر مؤمنان علیه السلام موانع ایام و گرفتاریهای روزگار مرا از تمام کردن باقی کتاب باز داشت . آن کتاب را به بابها و فصلهای مختلف تقسیم کرده بودم و در پایان آن فصلی بود که سخنان کوتاه امام علیه السلام در زمینه مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از او را - به جز خطبه های بلند و نامه های مفصل - در آن فصل آورده بودم . گروهی از دوستان ، این فصل را

پسندیدند و از نکات بی نظیر آن دچار شگفتی شدند و از من خواستند کتابی تالیف کنم که سخنان برگزیده امام در همه رشته ها و شاخه های گفتارش ، از خطبه های آن حضرت گرفته تا نامه ها و مواعظ و ادبش را در بر داشته باشد، زیرا می دانستند این کتاب ، در بر دارنده شگفتیهای بلاغت و نمونه های ارزنده فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع آوری نشده و در هیچ نوشته ای تمام جوانب آن گردآوری نگشته است ، زیرا تنها امیر مؤمنان علیه السلام است که سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشاء و آفریدگار بلاغت است ؛ گوهرهای نهفته اش به وسیله او آشکار گردیده و آیین و آدابش از او گرفته شده است . تمام خطیبان و سخنوران به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته اند. با وجود این ، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله رو، او مقدم است و آنان مؤخر، زیرا سخنان آن حضرت رنگ الهی و عطر سخنان پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته آنان را اجابت کردم و این کار بزرگ را آغاز نمودم ، در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود؛ و بدین وسیله خواستم علاوه بر فضایل بی شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیر مؤمنان علیه السلام را در فضیلت سخنوری نیز آشکار سازم ، زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به جا مانده ، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده است . اما سخنان آن حضرت اقیانوسی است بی کرانه و انبوه گوهرهایی که هرگز درخشش آن کاستی نگیرد." ⁽¹²⁾

شریف رضی با چنین انگیزه و جهتگیری دست به کار شد و به گزینش و باب بندی گوهرهای کلام امیر مؤمنان علیه السلام پرداخت .

تبویب نهج البلاغه

سید رضی سخنان امیر مؤمنان علیه السلام را از میان کتابهای گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود درباره نحوه باب بندی و تقسیم بندی مطالب آن چنین نوشته است:

"دیدم سخنان آن حضرت بر گرد سه محور می گردد، نخست: خطبه ها و فرمانها، دوم: نامه ها و پیغامها، و سوم: کلمات حکمت آمیز و موعظه ها. پس به توفیق الهی ابتدا خطبه های شگفت، و سپس نامه های زیبا و سرانجام حکمتها و کلمات جالب را انتخاب کردم، و هر یک را در باب مستقل قرار دادم... و هر گاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره یا پاسخ سؤال و یا منظوری دیگر بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسبترین و نزدیکترین باب قرار دادم. چه بسا قسمتهایی نامتناسب در این برگزیده سخنان آمده باشد، زیرا کم در این کتاب نکته های شگفت و قطعه های درخشان را برگزیده ام و قصد هماهنگی و نظم تاریخی پیوستگی میان سخنان نبوده است." (13)

بدین ترتیب سید رضی از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام گزینشی زیبا و هنرمندانه صورت داد و با تبویبی جالب و مفید آنها را مرتب نمود.

کمیت نهج البلاغه

شريف رضى در اين گزينش شگفت از كلام امير بيان على عليه السلام، تعداد 241 خطبه و كلام ، 79 نامه و مکتوب و 489 حکمت و موعظه را برگزيده است ،⁽¹⁴⁾ و چنانکه خود اشاره کرده ، آنچه در اين مجموعه گرد آورده است ، منتخب و گزيده اى از سخنان و مکتوبات امير مؤمنان عليه السلام است ، نه همه آنچه از آن حضرت در کتابها موجود است . وى در مقدمه نهج البلاغه چنين توضيح داده است :

"ادعا نمى کنم که من به همه جوانب سخنان امام عليه السلام احاطه پيدا کرده ، به طورى که هيچ يک از سخنان آن حضرت را از دست نداده باشم ، بلکه بعيد نمى دانم که آنچه نيافته ام بيش از آن باشد که يافته ام و آنچه در اختيارم قرار گرفته است کمتر از آن چيزى باشد که به دستم نيامده است ."⁽¹⁵⁾

يعقوبى ، مورخ برجسته ، درگذشته به سال 284 هجرى ، اظهار کرده که مردم چهارصد خطبه از خطبه هاى آن حضرت را به خاطر سپرده اند و اين خطبه ها در ميان مردمان متداول است و از آنها در خطبه هاى خویش بهره مى گيرند.⁽¹⁶⁾

همچنين مسعودى ، مورخ نامدار، درگذشته به سال 346 هجرى ، نوشته است که آنچه مردمان از خطبه هاى آن حضرت به خاطر سپرده اند چهار صد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه ايراد مى کرد و مردم آن را حفظ مى کردند و مى نوشتند و از هم مى گرفتند.⁽¹⁷⁾

اين تعداد خطبه ها که خطبه هاى مشهور و متداول بوده است ، تقريباً دو برابر آن چيزى است که شريف رضى گزينش کرده است ؛ و البته بى گمان خطبه

ها و سخنان و نوشته ها و حکمتها و موعظه های امام علیه السلام بسیار بیش از اینها بوده است و با توجه به کتابهای مستدرکی که بعدها به ویژه در حال حاضر تالیف شده و آنچه شریف رضی گرد آورده و آنچه را گرد نیاورده است در آن مجموعه ها جمع کرده اند،⁽¹⁸⁾ می توان حدس زد که شریف رضی تقریباً یک دوازدهم از مجموعه سخنان و نوشته ها و کلمات قصار امام علیه السلام را گرد آورده و در تالیف بی نظیر خود ارائه کرده است .

وجه تسمیه و وجه شاخص تالیف

شریف رضی تالیف گرانقدر خود را نهج البلاغه یعنی راه روشن بلاغت نام گذاشته و در وجه تسمیه آن چنین نوشته است :

"پس از تمام شدن کتاب ، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم ، زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می گشاید و خواسته هایش را به او نزدیک می سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است ، و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن هست ." (19)

شریف رضی نامی را برای این کتاب جاودان برگزید که مناسبترین عنوان بود. شیخ محمد عبده در مقدمه ای که بر شرح خود بر نهج البلاغه آورده ، در این باره چنین نوشته است :

"این کتاب جلیل مجموعه ای است از سخنان سید و مولای ما امیر مؤ منان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که سید شریف رضی (ره) از سخنان متفرق آن حضرت گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است ؛ و من اسمی مناسبتر و شایسته تر از این اسم که دلالت بر معنای آن بکند، سراغ ندارم و بیشتر از آنچه این اسم بر آن دلالت دارد، نمی توانم آن را توصیف نمایم ." (20)

عنوانی که شریف رضی برای تالیف خویش برگزید، بیانگر وجهی از کلمات امیر بیان علی علیه السلام بود که او را شیفته و فریفته خود ساخته بود و این وجه نهج البلاغه ، وجهی است که به سبب فصاحت والا و بلاغت اعلای کلام ، آن را تا عمق جان هر کس نفوذ می دهد و حکمتها و معرفتهای بی مانندش را ابلاغ می نماید. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می نویسد :

"سید رضی شیفته سخنان علی علیه السلام بوده است . او مردی ادیب و شاعر و سخن شناس بود... سید رضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی علیه السلام خصوصاً داشته است ، بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می نگریسته است و به همین جهت در انتخاب آنها این خصوصیت را در نظر گرفته است ، یعنی آن قسمتها بیشتر نظرش را جلب می کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است ؛ و از این رو نام مجموعه منتخب خویش را نهج البلاغه نهاده است . " ⁽²¹⁾

کتابی شگفت

بدین ترتیب کتابی ظهور یافت که جلوه ای است از جلوه های وجود علی علیه السلام نسخه یگانه هستی و مظهر همه کمالات الهی . نهج البلاغه کتابی است که در آن والاترین اندیشه ها و معرفتها، و نیکوترین سیرتها و سلوکها جلوه یافته و انسانها را راه نموده و بر کسی پوشیده نیست که امیر مؤمنان علیه السلام پیشوای فصیحان و سرور بلیغ سخن گویان است و اینکه سخن او والاترین سخن پس از کلام خداوند و پیامبر اکرم است ، ⁽²²⁾ چنانکه درباره سخن آن حضرت گفته اند :
نهج البلاغه پایین تر از سخن خداوند و بالاتر از گفتار همه مخلوقات است . ⁽²³⁾
علامه سبط ابن جوزی ، در گذشته به سال 654 هجری ، درباره کلام امیر مؤمنان علیه السلام و شگفتی آفرینی آن می نویسد :

"علی علیه السلام به بیانی سخن گفته که سرشار از عصمت است . او با میزان حکمت سخن رانده ، سخنی که خداوند بر آن مهابت و شکوه افکنده است . این کلمات به گوش هر کس رسد، او را به شگفتی و حیرت وا می دارد. خداوند در سخن گفتن بدو نعمتی ارزانی داشته که توانسته است حلاوت و ملاحات را یکجا گرد آورد، و سحر بیان و زیبایی فصاحت را با هم درآمیزد. نه می توان از آن کلمه ای اسقاط نمود، و نه با حجت و دلیلی با آن مسابقت داد. سخنگویان را به عجز و ناتوانی کشانده و گوی سبقت از همگان ربوده است . کلمات او الفاضلی است که نورانیت نبوت بر آن تابیده و آنچه از وی صادر شده عقلها و فهمها را متحیر و شگفت زده ساخته است ."⁽²⁴⁾

نهج البلاغه از وجوه گوناگون کتابی شگفت است : الفاظ، جملات ، بافت سخن ، هندسه بیان ، موسیقی کلام ، قوت و استحکام ، لطافت و سحر آن ،

معانی و معارف والا، تاءثیرگذاری بر دلها و نفوذ در جانها، و محدود نبودن به یک زمینه به یک زمینه خاص. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می نویسد:

از امتیازات برجسته سخنان امیرالمؤمنین که به نام نهج البلاغه امروز در دست ما است، این است که محدود به زمینه ای خاص نیست. علی علیه السلام به تعبیر خودش تنها در یک میدان اسب نتاخته است، در میدانهای گوناگون که احيانا بعضی با بعضی متضاد است تکاور بیان را به جولان درآورده است. نهج البلاغه شاهکار است، اما نه تنها در یک زمینه، مثلا: موعظه، یا حماسه، یا فرضا عشق و عزل، یا مدح و هجا و غیره، بلکه در زمینه های گوناگون.

اینکه سخن شاهکار باشد ولی در یک زمینه، البته زیاد نیست و انگشت شمار است، ولی به هر حال هست. اینکه در زمینه های گوناگون باشد ولی در حد معمولی نه شاهکار، فراوان است، ولی اینکه سخنی شاهکار باشد و در عین حال محدود به زمینه ای خاص نباشد، از مختصات نهج البلاغه است. بگذاریم از قرآن کریم که داستانی دیگر است؛ کدام شاهکار را می توان پیدا کرد که به اندازه نهج البلاغه متنوع باشد؟

سخن نماینده روح است. سخن هر کس به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده اش به آنجا تعلق دارد. طبعا سخنی که به چندین دنیا تعلق دارد نشانه روحیه ای است که در انحصار یک دنیای به خصوص نیست. و چون روح علی علیه السلام محدود به دنیایی خاص نیست، در همه دنیاها و جهانها حضور دارد و به اصطلاح عرفا انسان کامل و کون جامع و جامع همه حضرات و دارنده همه مراتب است، سخنش نیز به دنیایی خاص محدود نیست از امتیازات سخن علی این است که به اصطلاح شایع عصر ما چند بعدی است، نه یک بعدی.

خاصیت همه جانبه بودن سخن علی و روح علی مطلبی نیست که تازه کشف شده باشد، مطلبی است که حداقل از هزار سال پیش اعجابها را برمی انگیزده است سید رضی که به هزار سال پیش تعلق دارد، متوجه این نکته و شیفته آن است، می گوید :

از عجایب علی علیه السلام که منحصر به خود اوست و احدی با او در این جهت شریک نیست، این است که وقتی انسان در آن گونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبه است تامل می کند، و موقتا از یاد می برد که گوینده این سخن، خود، شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه جا نافذ و مالک الرقاب عصر خویش بوده است، شک نمی کند که این سخن از آن کسی است که جز زهد و کناره گیری چیزی را نمی شناسد و کاری جز عبادت و ذکر ندارد، گوشه خانه یا دامنه کوهی را برای انزوا اختیار کرده، جز صدای خود چیزی نمی شنود و جز شخص خود کسی را نمی بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی خبر است. کسی باور نمی کند که سخنانی که در زهد و تنبه و موعظه تا این حد موج دارد و اوج گرفته است، از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می رود، شمشیرش در اهتزاز است و آماده ربودن سر دشمن است، دلیران را به خاک می افکند و از دم تیغش خون می چکد، و در همین حال این شخص زاهدترین زهاد و عابدترین عباد است. ⁽²⁵⁾

سید رضی آن گاه می گوید: من این مطلب را فراوان با دوستان در میان می گذارم و اعجاب آنها را بدین وسیله برمی انگیزم. ⁽²⁶⁾

شیخ محمد عبده نیز تحت تاءثیر همین جنبه نهج البلاغه قرار گرفته است، تغییر پرده ها در نهج البلاغه و سیر دادن خواننده به عوالم گوناگون بیش از هر

290- نهج البلاغه ، خطبه 72.

291- نهج البلاغه ، حکمت 333.

292- نهج البلاغه ، کلام 201.

293- در اینکه مراد امام علی علیه السلام از این برادر کیست ، چند احتمال داده شده است . نظر برخی بر آن است که منظور آن حضرت ، رسول خدا (ص) است و برخی مراد امام علیه السلام از این برادر ابوذر و عده ای مقدار دانسته اند؛ و برخی نیز گفته اند که مراد امام علیه السلام شخص خاص نیست ، بلکه آن حضرت صرفاً خواسته است مثال و نمونه ای کلی را مطرح نماید. رک : شرح ابن اءبی الحدید، ج 19، صص 183 - 184.

294- نهج البلاغه ، حکمت 289.

فهرست مطالب

2	پیشگفتار
2	جایگاه نهج البلاغه
4	مؤلف نهج البلاغه
7	چرایی و چگونگی تالیف نهج البلاغه
9	تبویب نهج البلاغه
10	کمیت نهج البلاغه
12	وجه تسمیه و وجه شاخص تالیف
14	کتابی شگفت
18	روشهای مرور و مطالعه نهج البلاغه
19	روش ترتیبی
21	روش تجزیه ای
22	روش موضوعی
24	دییچه
28	منظر مهر: مبانی تربیت
28	شناخت انسان
29	اهمیت و جایگاه شناخت انسان
33	1- شناخت عیوب نفس
34	2- شناخت تواناییها و امکانات نفس
35	3- معرفت فضایل نفس
36	4- شناخت دیگر مردمان و مراتب ایشان
37	5- شناخت خدای متعال
38	حقیقت انسان

45	اهداف تربیت
47	وارستگی و بندگی امیرمؤمنان
65	مفهوم فطرت
68	حقیقت فطرت
72	اقسام فطرت
76	فطریات انسان
80	زیبایی دوستی
81	حقیقت جویی
82	خیر اخلاقی
84	آزادی دوستی و آزادگی
86	عدالت دوستی و عدالت خواهی
88	تربیت فطری
92	عوامل موثر در تربیت
93	وراثت
96	محیط
101	محیط رفاقت و معاشرت
106	محیط اجتماع
109	محیط جغرافیایی و طبیعی
113	سختیها و شداید
120	کار
132	عوامل ماورای طبیعت
143	اراده
149	اراده
170	فهرست مطالب